



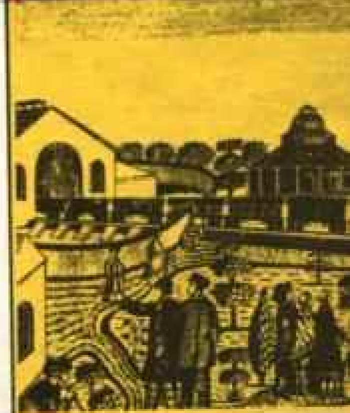






سرگی میخالکوف

از گاری تا کیهان پیما



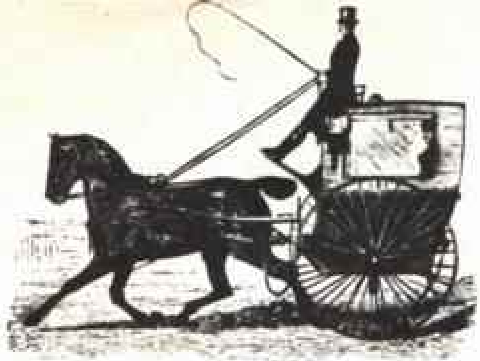


بنگاه نشریات پروگرس
مسکو

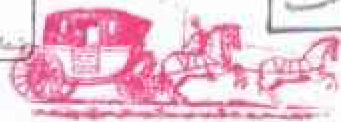






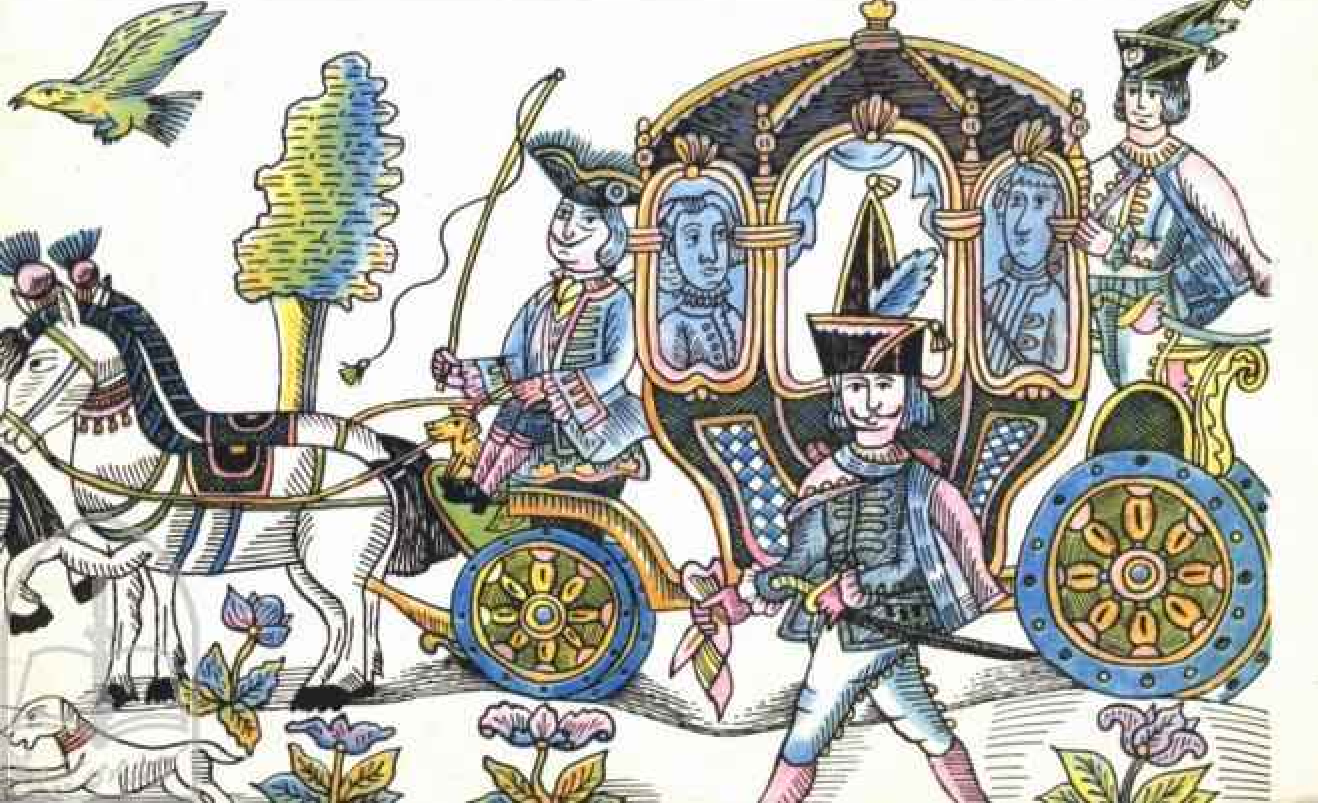


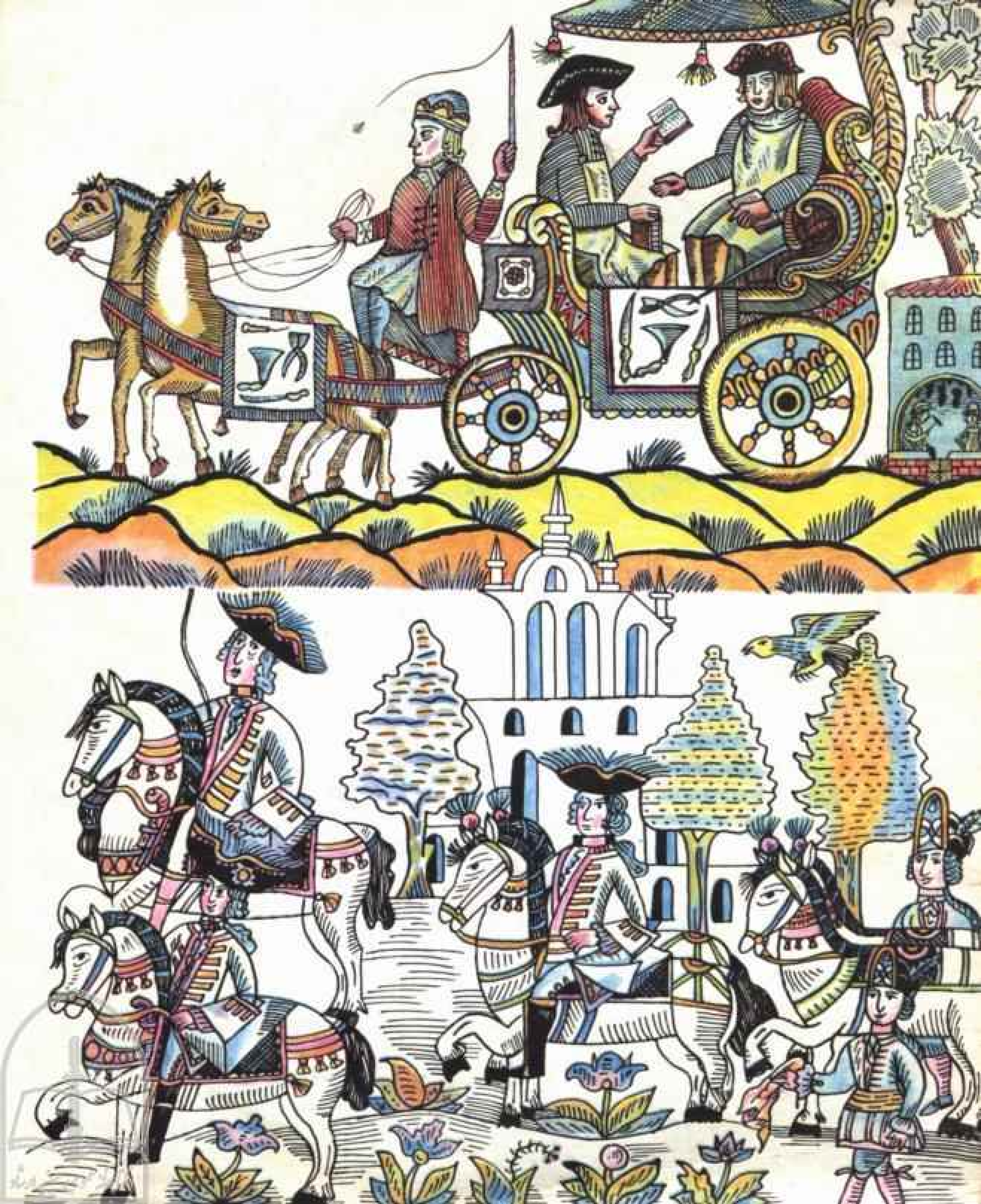


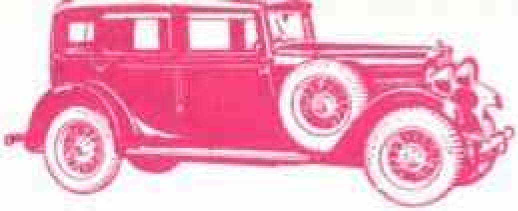


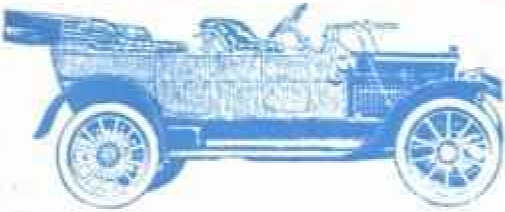
پیشترها می‌شدند مردم
گاری و کالسکه سوار،
تااینکه شد قرن بیستم
اتوموبیل افتاد به کار.









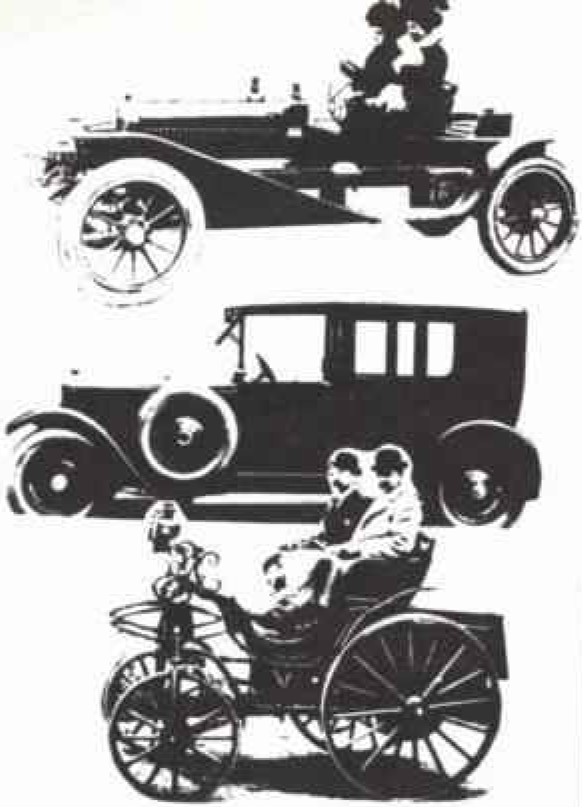




شهرها شد پر از غوغا،
غریو موتور، خروش چرخها.
ماشین‌ها می‌تازند بی‌حساب
از چپ و راست با شتاب.

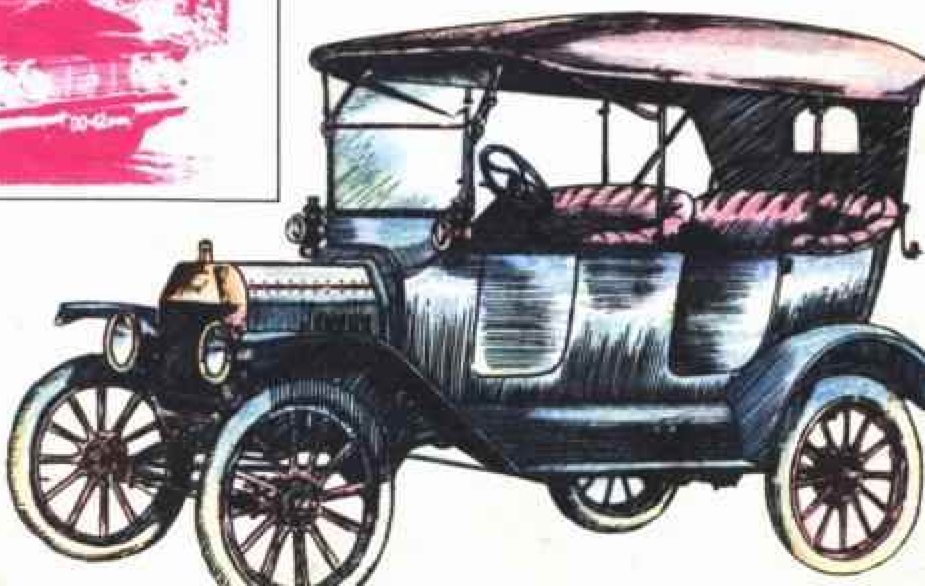


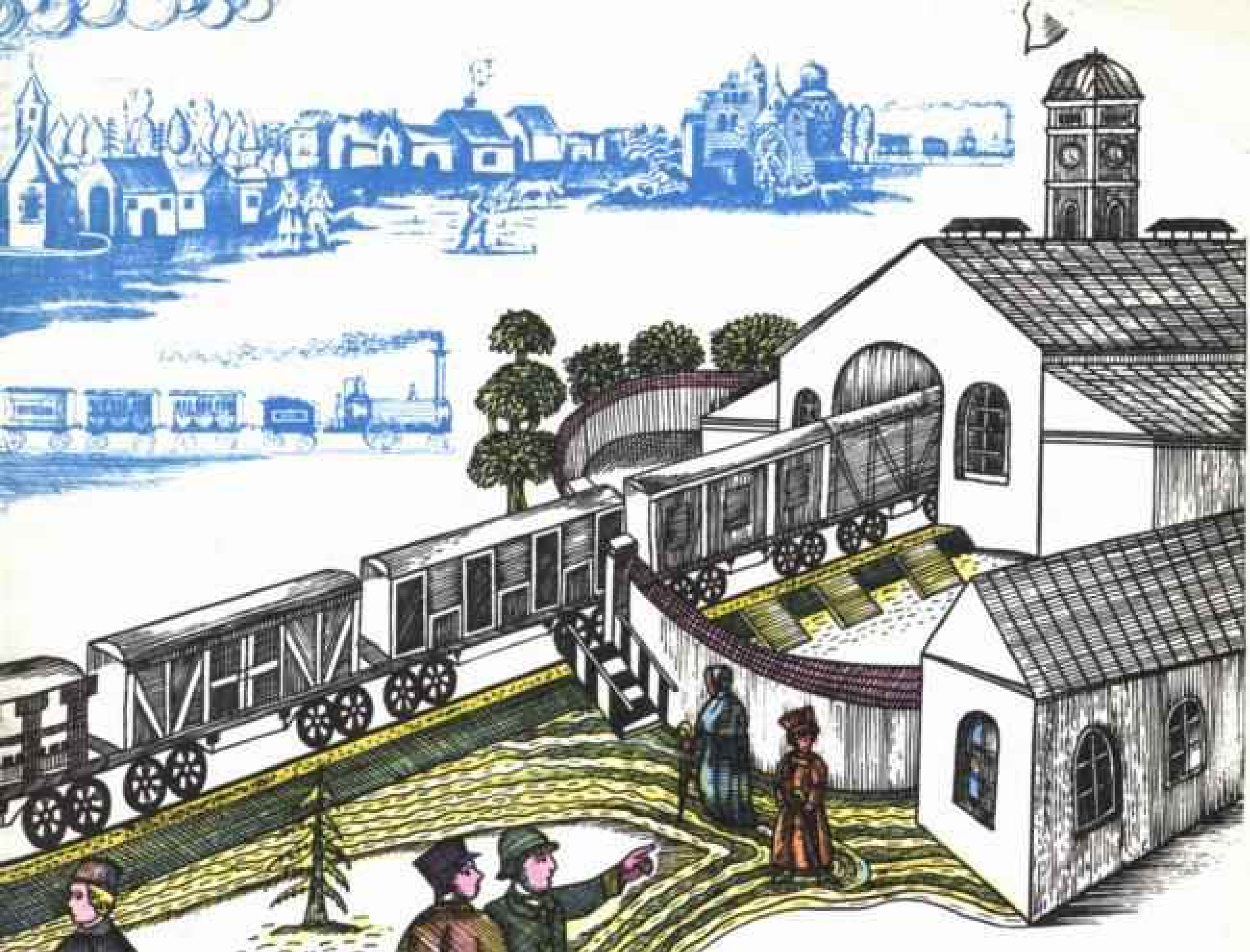








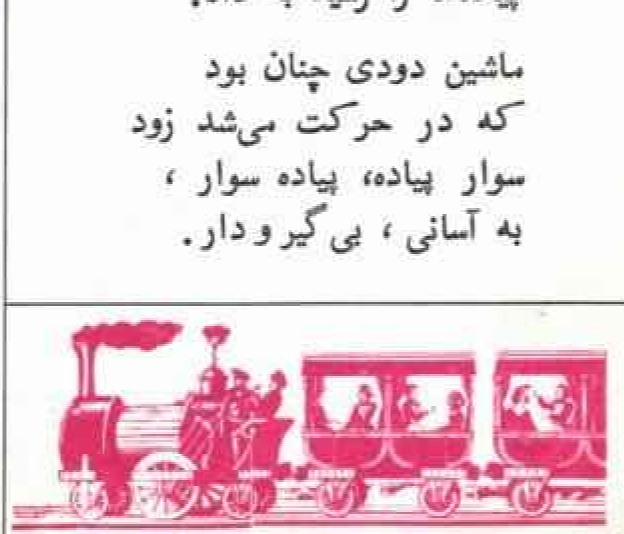


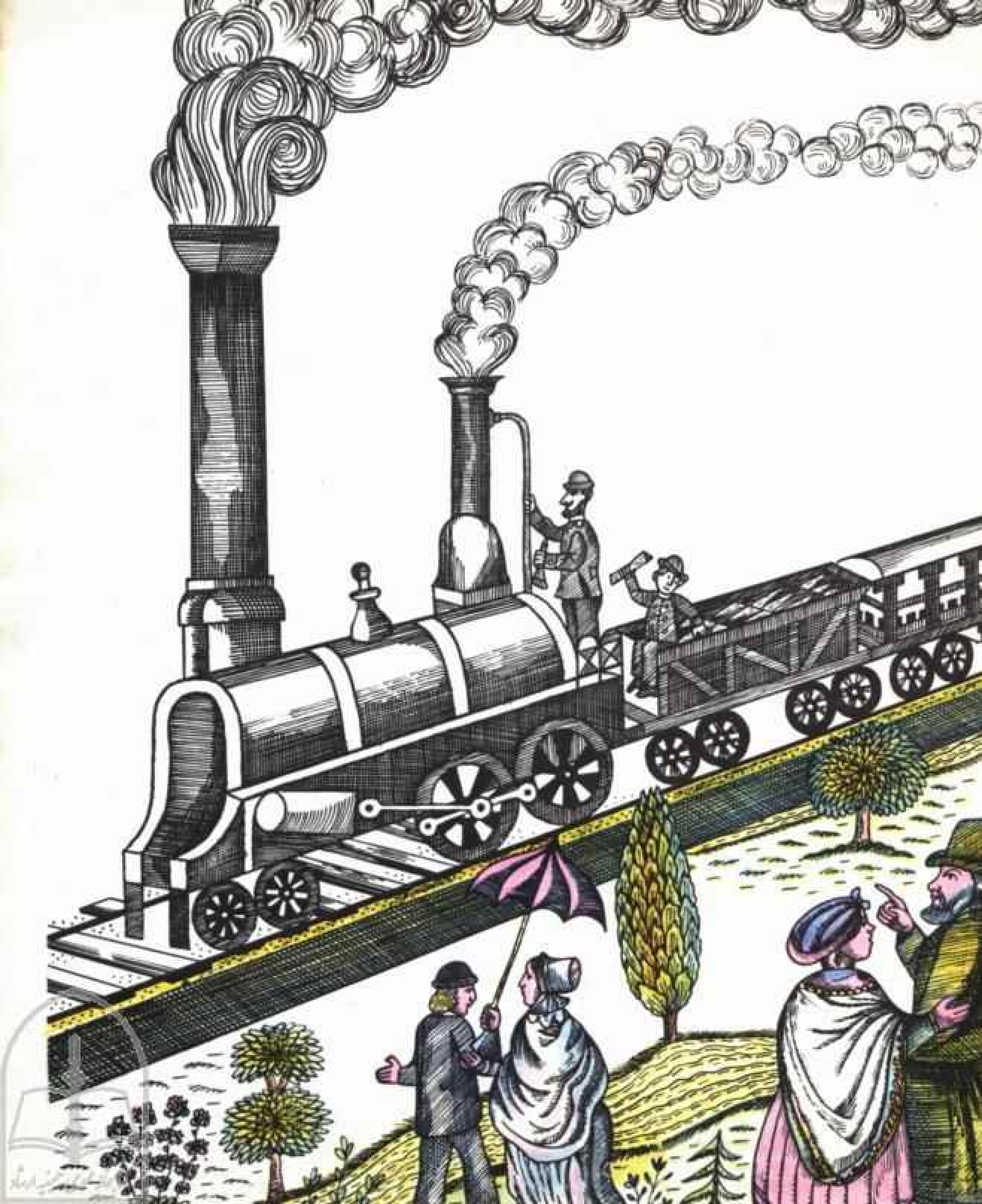




ماشین دودی هم راه افتاد
پیاده‌ها را رسید به داد.

ماشین دودی چنان بود
که در حرکت می‌شد زود
سوار پیاده، پیاده سوار ،
به آسانی ، بی گیر و دار.





ترن برقی ولی حالا
چنان سریع برد ما را
که نشمرده از یک تا صد،
دیدی رسیدیم به مقصد.















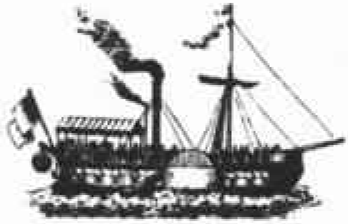


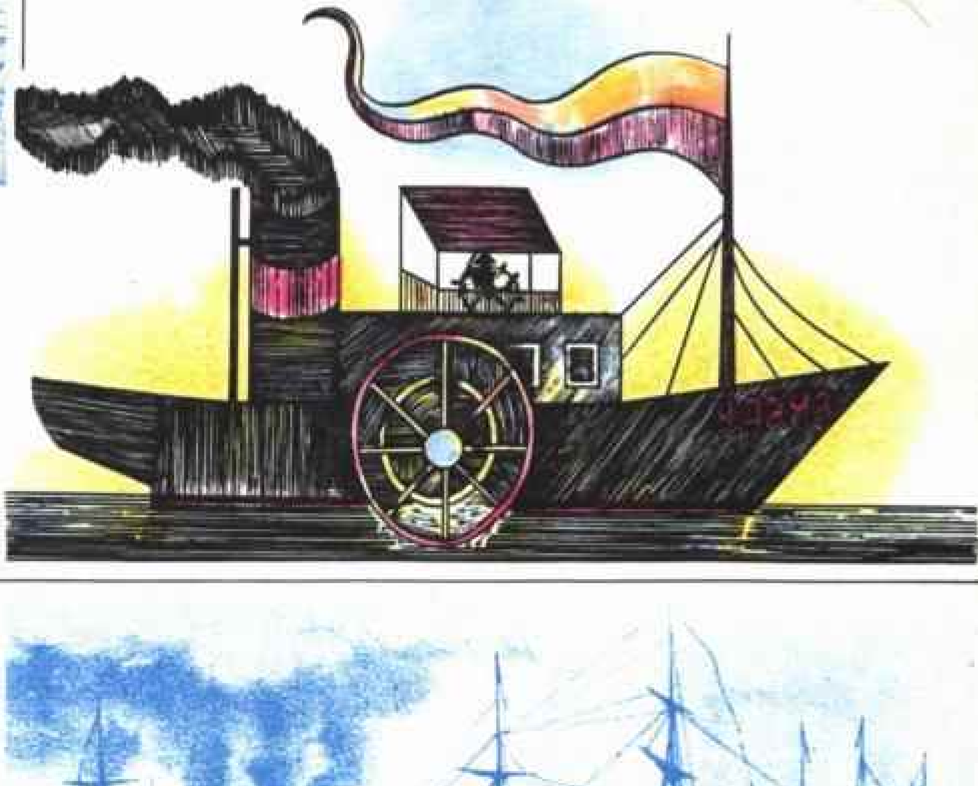
کشتی بادی در پیشتر
به زور باد بود شناور.

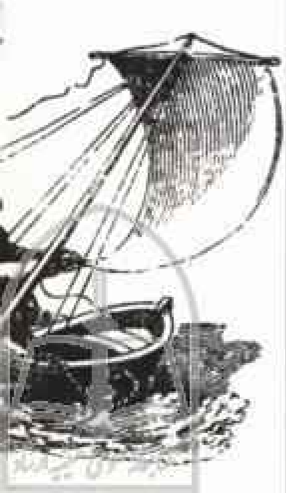




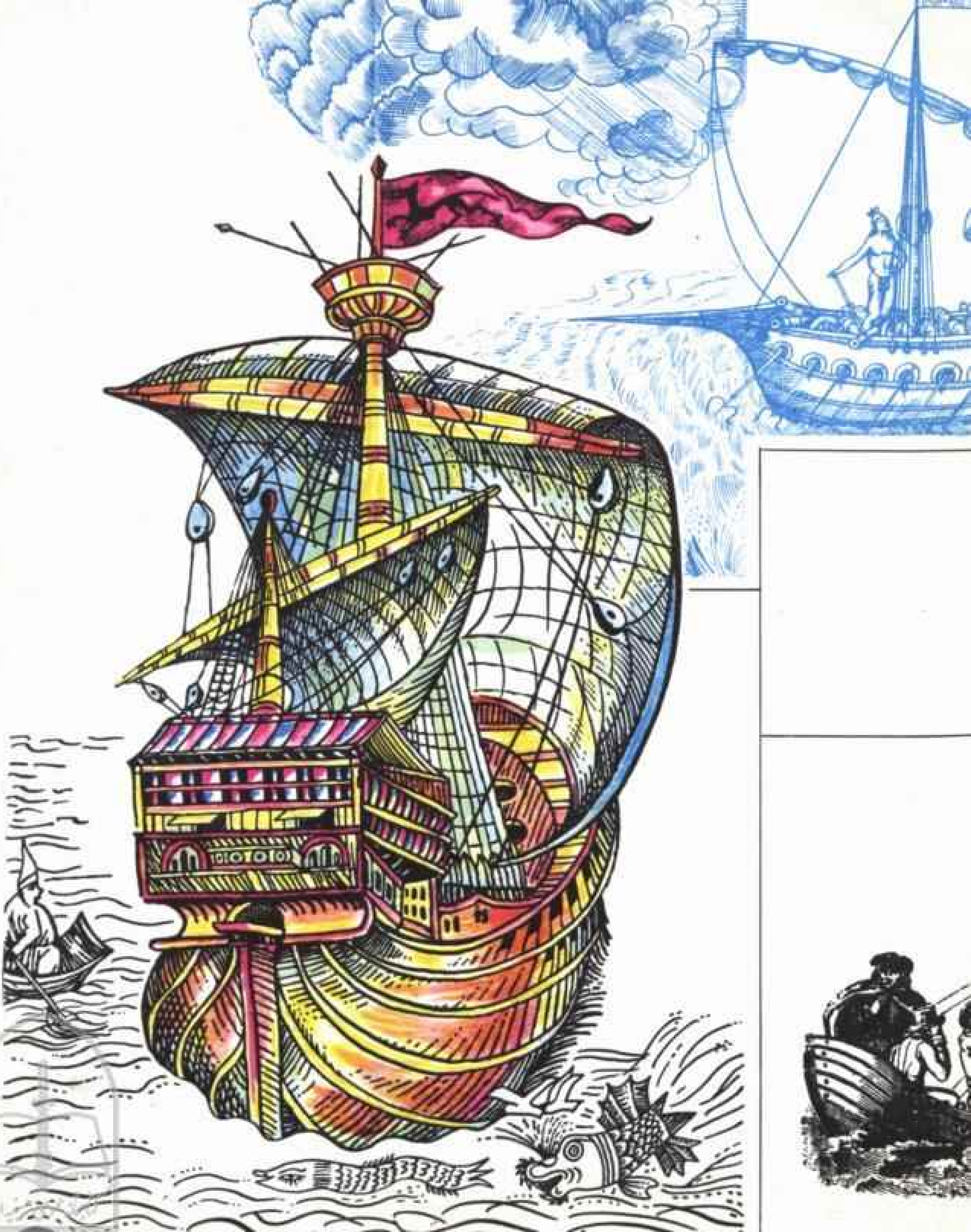
از این بندر به آن بندر
ماهها طول میکشید سفر.
تا ساختند کشتی بخار،
کوتاه شد این راهها بسیار.













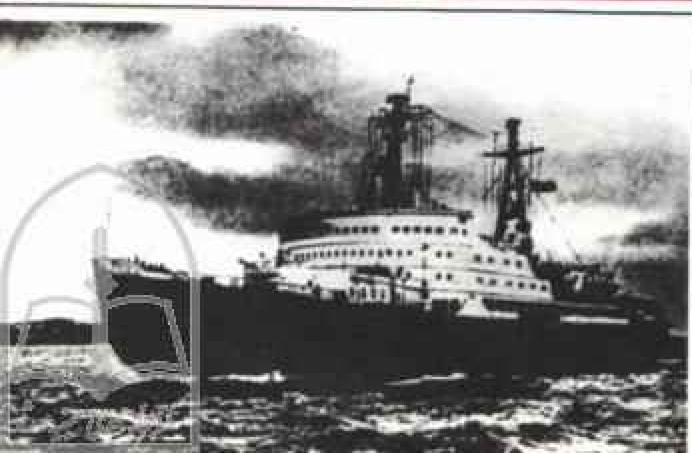


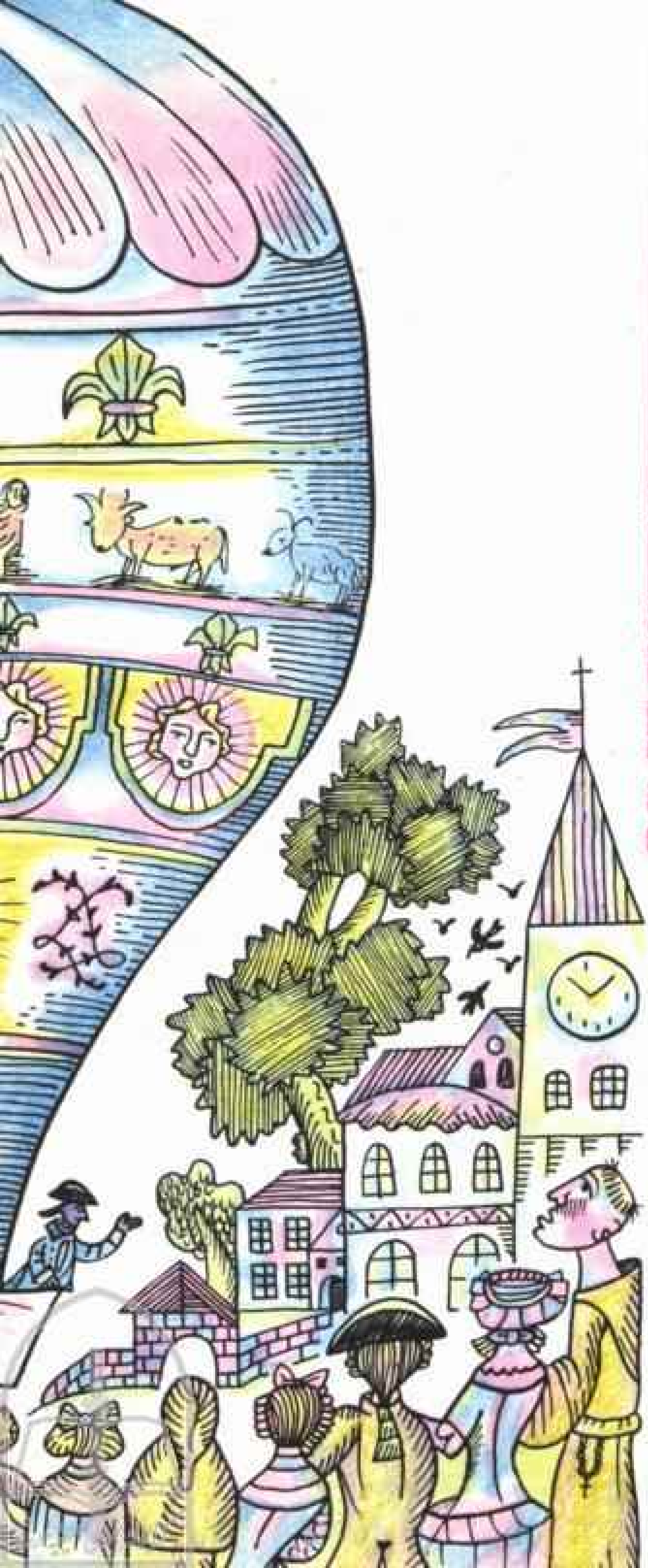




کنون روی اقیانوسها
می‌تازند غول‌پیکر ناوها.
جهان در شگفتی اما
از راکت دریاپیما.



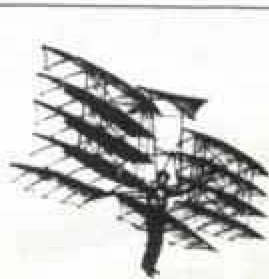


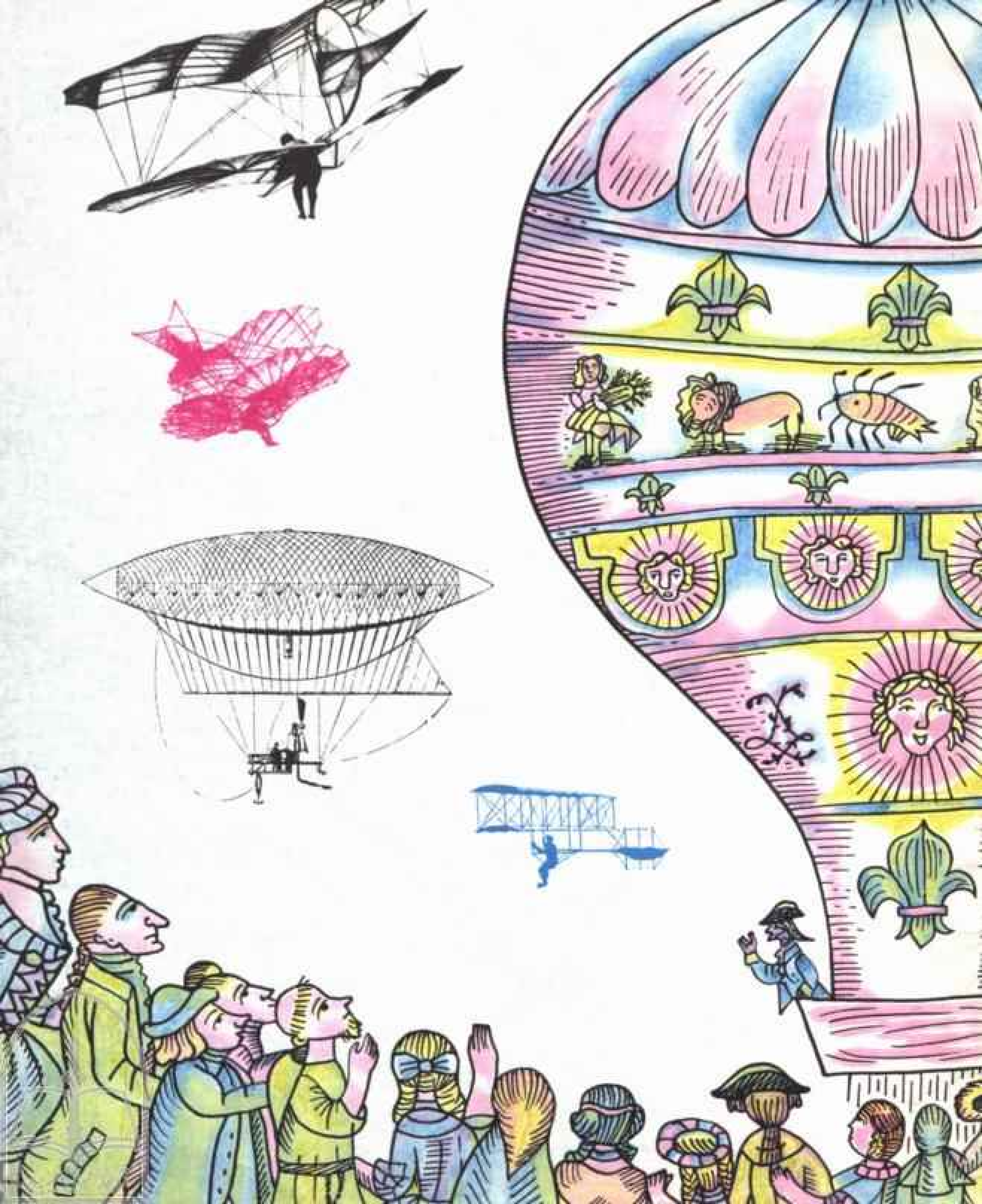


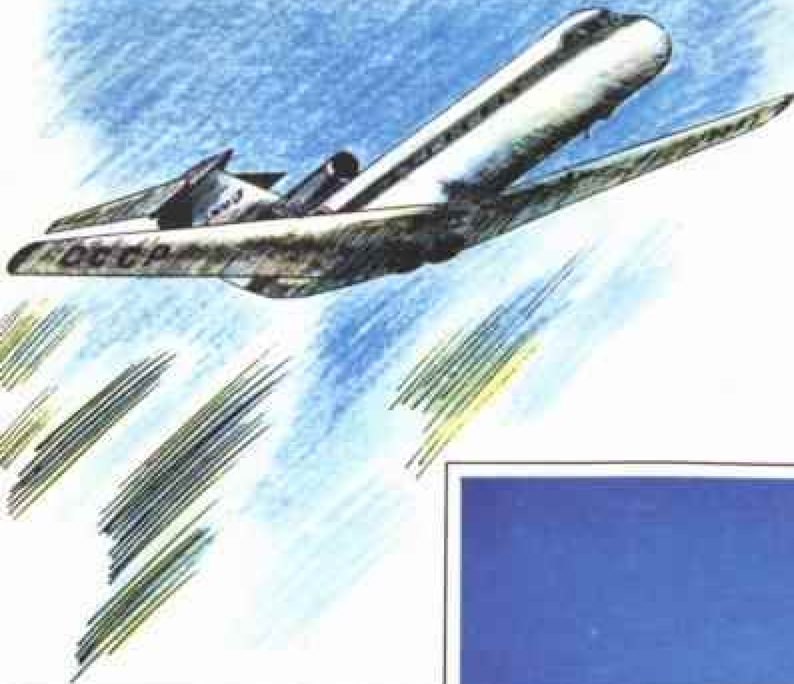


در آسمان به راه افتاد
بالن ولی به میل باد.

اما انسان جوینده
میخواست پرد چون پرنده.



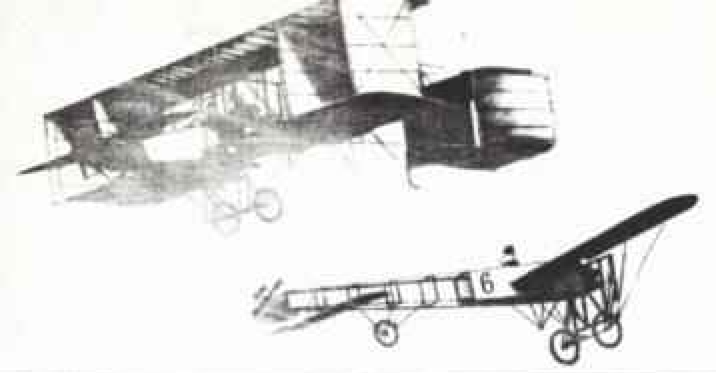



СССР







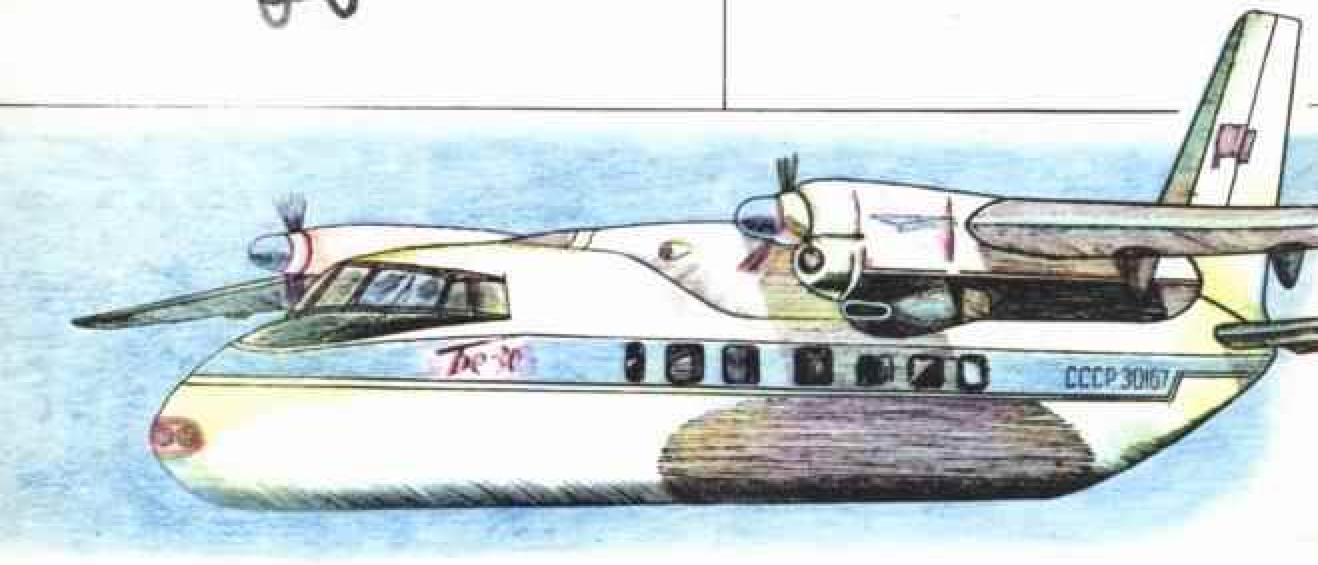


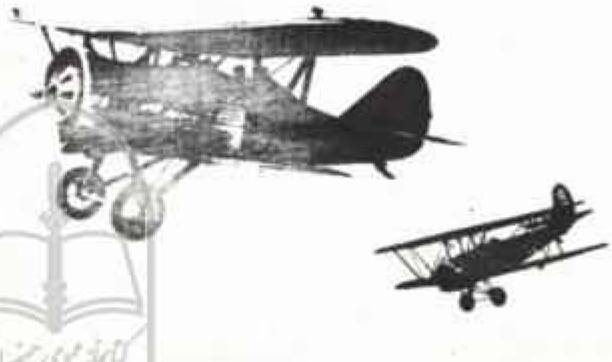
هواپیما را ساخت بشر،
کرد سال به سال هم کاملتر.

روی مبل‌های راحتی
ننشسته‌ایم ساعتی،

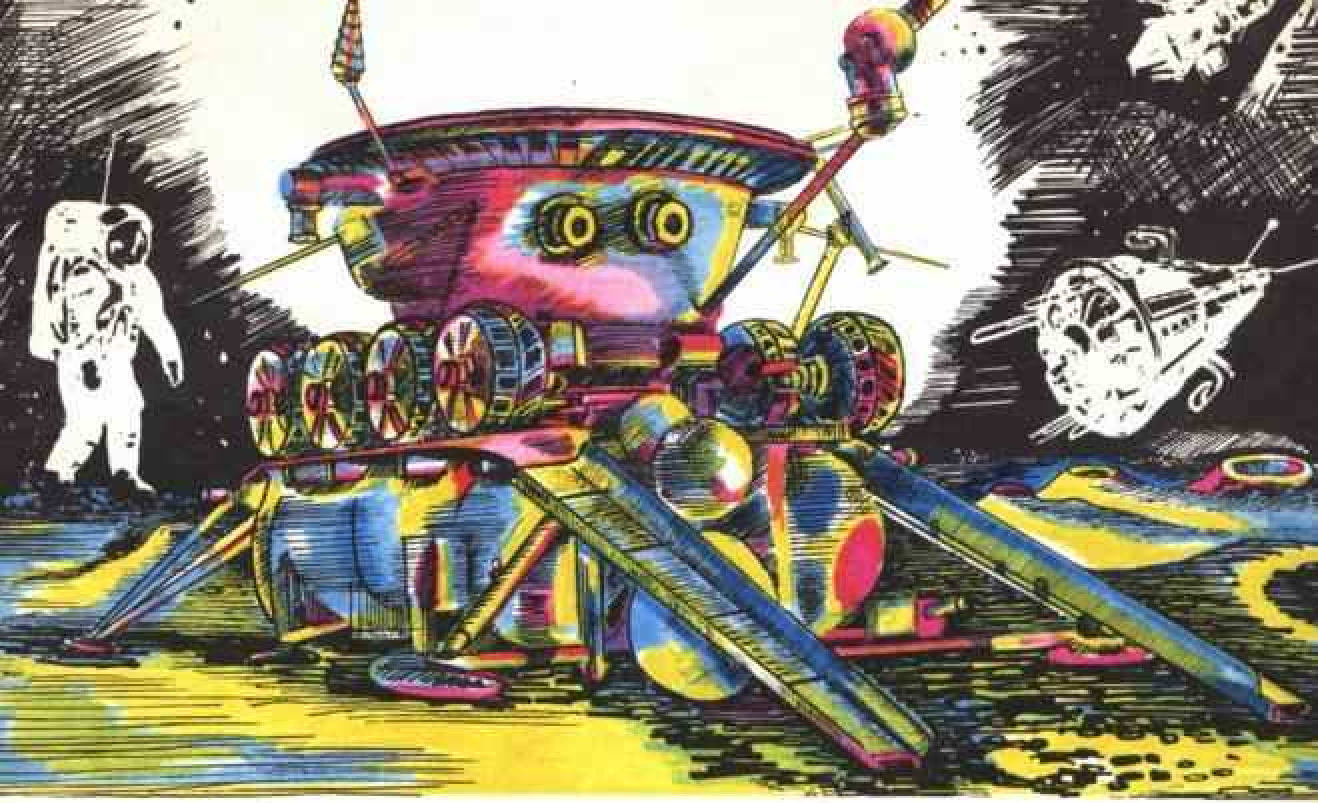
هواپیمای ما ناگاه
می‌نشیند در فرودگاه.

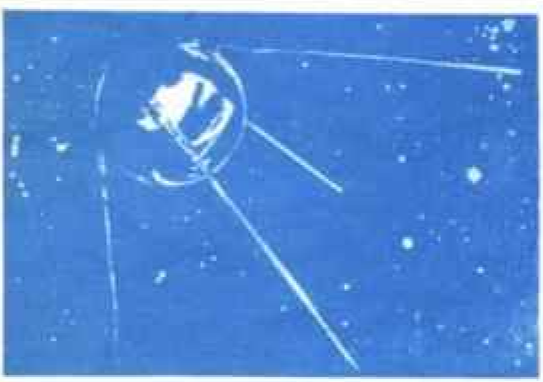




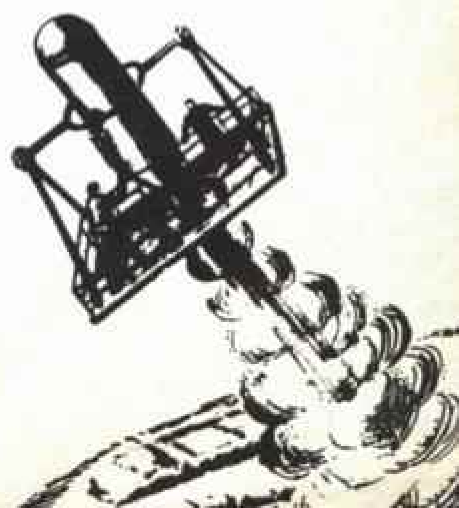


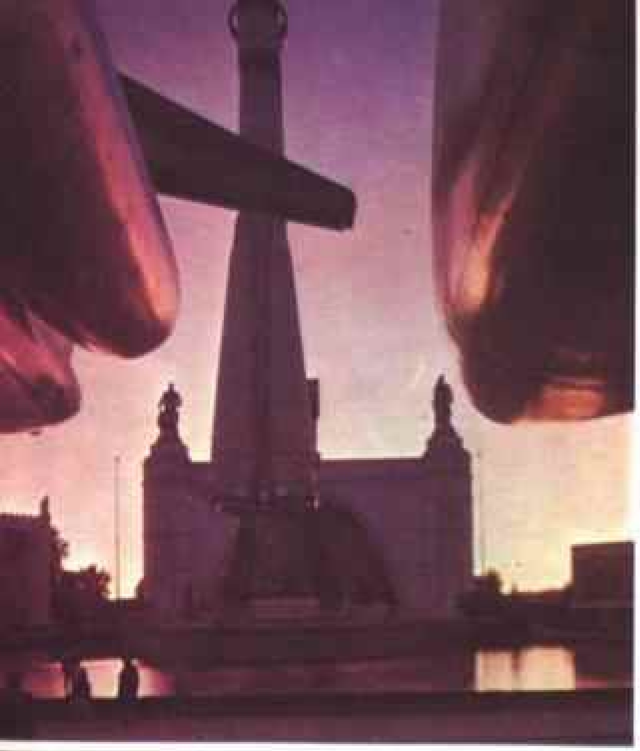




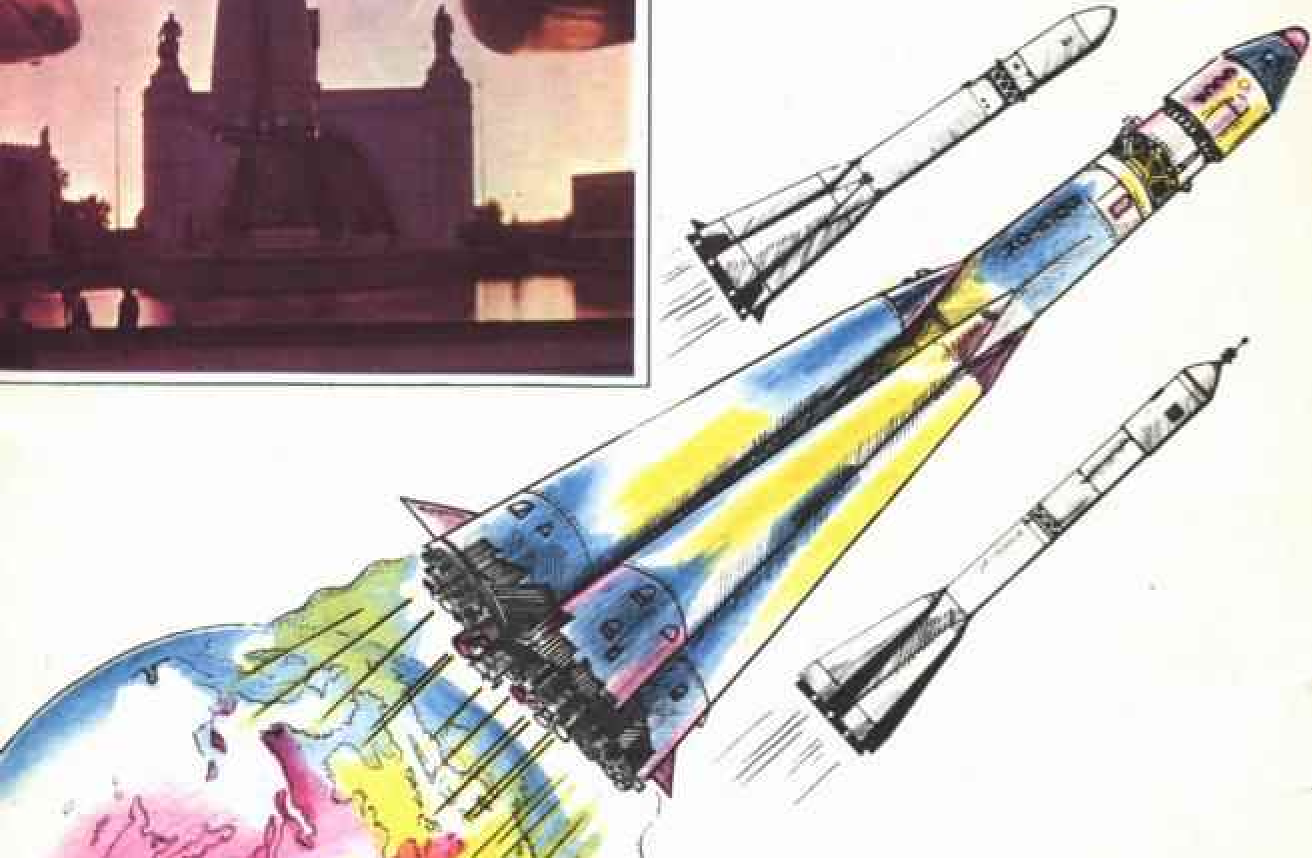


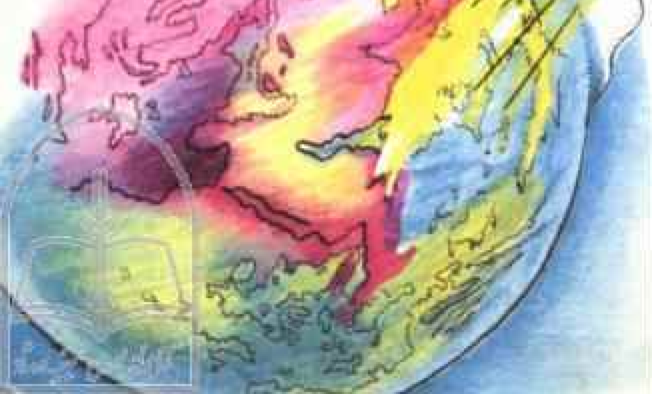
— این اعجوبه چیست شتابان؟
— کیهان‌پیماست در آسمان.











تا کیهان‌پیما از گاری
معجزی شگرف است، آری!











نقاشی از ویتالی ستاتسیسکی

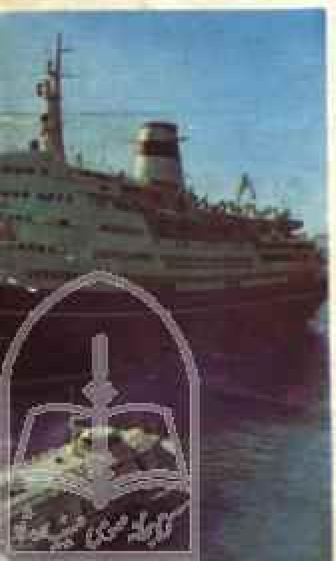
ترجمه از ایرن آذر

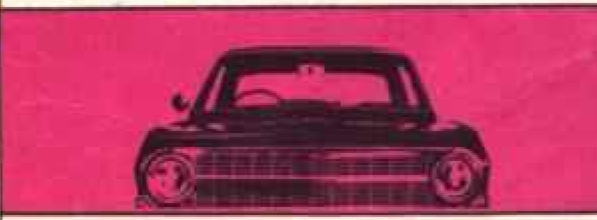
© ترجمه بزبان فارسی وشکلها، بنگاه نشریات پروگرس، سال ۱۹۷۵

M $\frac{70801-739}{014(01)-75}$ 626-75

چاپ اتحاد شوروی







С. МИХАЛКОВ

От кареты до ракеты

На персидском языке



